فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه بیمه
سال سی‌وپنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹

The Contrast Between Enterprise Risk Management and Neoclassical Economics In Insurance Companies Focusing On Supplemental Health Insurance

Mahboubeh Aalaei[1] Mohammad Mahdi Azizi Amiri[2] Faramarz Khalighi[3] Maryam Sadat Askari[4]

Received: 2019 July 8 **Accepted:** 2020 September 19

Abstract

Objective: This paper examines the effect of risk culture on the performance of risk management in insurance companies providing complementary health insurance, in terms of neoclassical economics and enterprise risk management.

Methodology: The Analytic hierarchy process (AHP) was used in this study.

Findings: The principles of risk management as well as four cultures-based theory of multiple rationality were presented and the principles of neoclassical economics and enterprise risk management were analyzed for insurance companies offering complementary health insurance. The principles of "enterprise risk management" with weight of 62.1% has gained the highest rank compared to "neoclassical economics" with weight of 37.9% in relation to overall goal. Also, "risk appetite" and "separate measurement and management of risk" criteria in selection of enterprise risk management gained the highest weight compared to other criteria.

Conclusion: The principles of risk culture is best compatible with the principles of enterprise risk management, but this does not mean that the principles of enterprise risk management and the neoclassical economy cannot be used simultaneously in a company. Generally, the insurance companies choose a combination of these principles. In other words, insurance companies select a combination of four approaches based on the theory of multiple rationality. Also, considering that the attitude of Central Insurance Organization of Islamic Republic of Iran to the risk strategy has the impact on the risk culture of insurance companies, it is recommended that Central Insurance Organization adopts an optimal attitude according to the conditions and necessities of the insurance industry.

Keywords: Insurance, Risk Culture, Enterprise Risk Management, Neo-Classical Economics, Analytic Hierarchy Process.

JEL Classification: B13, G22, G32.

1. Assistant Professor, Insurance Research Center. aalaei@irc.ac.ir
2. Technical assistant, Day insurance company, Tehran, Iran. M.azizi54@gmail.com
3. PhD student of Health economics, Tarbiat Modares University. **(Corresponding Author)** Faramarz.khalighi@modares.ac.ir
4. Health Economic Department, School of Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. askari72m@gmail.com

(DOI):10.22056/jir.2020.193144.2534

www.SID.ir

تقابل مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک در شرکت‌های بیمه با تمرکز بر بیمه درمان تکمیلی

دکتر محبوبه اعلایی[۱] محمد مهدی عزیزی امیری[۲] فرامرز خلیقی[۳] مریم‌السادات عسکری[٤]

چکیده

هدف: این مقاله، نحوه تأثیر فرهنگ ریسک بر عملکرد مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه ارائه‌کننده بیمه درمان تکمیلی را از دو منظر اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش شناسی: فرایند تحلیل سلسله مراتبی[۵]

یافته‌ها: در این مقاله اصول ده‌گانه مدیریت ریسک و چهار فرهنگ مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر ارائه شد و عقاید و اصول اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه برای شرکت‌های بیمه ارائه‌کننده رشته بیمه درمان تکمیلی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اصول «مدیریت ریسک بنگاه» با وزن ٦٢/١ درصد نسبت به «اقتصاد نئوکلاسیک» با وزن ۳۷/۹ بالاترین رتبه را نسبت به هدف کلی به‌دست آورده است. همچنین معیارهای «اشتهای ریسک» و «تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک» در انتخاب مدیریت ریسک بنگاه بیشترین وزن را نسبت به دیگر معیارها کسب کردند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که مبانی فرهنگ ریسک با اصول مدیریت ریسک بنگاه سازگارتر است ولی این بدان معنا نیست که اصول مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک نمی‌توانند به صورت همزمان در یک شرکت مورد استفاده کارا قرار گیرند. بلکه شرکت‌های بیمه، ترکیبی از این دو اصل را انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر شرکت‌های بیمه ترکیب مختلفی از چهار رویکرد مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر را انتخاب می‌کنند. همچنین با توجه به اینکه نگرش بیمه مرکزی نسبت به راهبرد ریسک دارای اثراتی بر فرهنگ ریسک شرکت‌های بیمه می‌باشد توصیه می‌شود بیمه مرکزی در این زمینه نگرش بهینه‌ای را با توجه به شرایط و اقتضائات صنعت بیمه کشور اتخاذ کند.

کلید واژه‌ها: بیمه، فرهنگ ریسک، مدیریت ریسک بنگاه، اقتصاد نئوکلاسیک، فرایند سلسله مراتبی.

طبقه بندی موضوعی: B13, G22, G32.

۱. استادیار پژوهشکده بیمه، تهران، ایران aalaei@irc.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران، معاون فنی شرکت بیمه دی، تهران، ایران. M.azizi54@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد سلامت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. **(نویسنده مسئول)**، Faramarz.khalighi@modares.ac.ir

٤. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. askari72m@gmail.com

5. AHP

www.SID.ir

مقدمه

رشته بیمه درمان تکمیلی، با توجه به هزینه‌های بالای خدمات درمانی-بهداشتی در کشور و نیز سهم به‌سزای این رشته، در کمک به بیمه‌گذاران در رویارویی با ریسک‌ها و خسارات ناشی از هزینه‌های درمان، همواره مورد توجه بوده است. اکثر افراد جامعه ترجیح می‌دهند تحت پوشش این نوع بیمه‌نامه قرار گیرند تا در موارد لزوم رنج کمتری متحمل شوند. در مقابل شرکت‌های بیمه در پی کاهش ضرر و زیان حاصل از ارائه پوشش‌های درمانی هستند. ایجاد توازن و تعادل بین این دو مقوله که می‌توان در کل آن را مدیریت ریسک نامید، کمک شایانی به هر دو طرف خواهد کرد.

بیمه درمان از حیث مدیریت ریسک، موضوعی پیچیده به حساب می‌آید. دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با ریسک بیمه درمان، چه در سمت تقاضا و چه در سمت عرضه این رشته، وجود دارد. بُعد اول، شرایطی است که بیمه‌گر درمان تمایل داشته باشد که ریسک‌های پیش روی خود را به منظور تحقق اهداف تجاری خود، همچون کسب سود بیشتر مدیریت کند و از این منظر به ریسک‌های پیرامون خود نظر کند. بُعد دوم، شرایطی است که نهاد ناظر الزاماتی راجع به کفایت سرمایه بیمه‌گر درمان برای ایفای تعهدات و پوشش‌های درمانی عرضه شده وضع کند که شرکت بیمه را ملزم به اعمال مدیریت ریسک صرفاً برای یک دوره زمانی یک‌ساله و فارغ از اهداف تجاری آن شرکت، کند. در بُعد سوم، بیمه شده و افراد وابسته به وی (تحت تکفل و یا غیر از آن) از بیمه‌گر درمان انتظار دارند که در بازه‌های زمانی بلندمدتی، پوشش‌های مندرج در بیمه‌نامه را ارائه دهد و نسبت به ایفای تعهدات خود پایبند و از کفایت مطلوب سرمایه برخوردار باشد. بعد چهارم این شرایط زمانی تکمیل می‌شود که عرضه‌کنندگان خدمات بهداشتی- درمانی مانند مراجع درمانی دولتی و خصوصی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ زیرا مراجع درمانی و نحوه انعقاد قرارداد با ایشان، ریسک‌هایی را متوجه بیمه‌گران درمان خواهد کرد که صرفاً خاص این رشته است و از این حیث توجه به مقوله مدیریت ریسک، بیش از پیش اهمیت و اولویت می‌یابد. بنابراین رشته بیمه درمان

www.SID.ir

تکمیلی چنین اقتضاء می‌کند که چارچوب جامع و گسترده مدیریت ریسک که بتواند وجوه و جنبه‌های چند منظوره ریسک افراد ذی‌نفع را در برگیرد و منافع ایشان را محقق کند، برای این رشته لحاظ شود.

توسعه و پیشرفت‌های مداوم در حوزه مقررات‌گذاری و اقدامات نهادهای ناظر و از طرف دیگر پیچیدگی‌های تکنیک‌های تحلیل ریسک منجر به تغییر رویکرد بیمه‌گران درمان در نحوه مدیریت ریسک و اتخاذ شیوه مدیریت ریسک بنگاه[1] شده است و این موضوع در کل به بیمه‌گران عمر و غیرعمر نیز تعمیم یافته است. در حال حاضر «مدیریت ریسک بنگاه» به عنوان جزء ضروری هر نوع سیستم موفق بیمه‌گری درمان قلمداد می‌شود و به عنوان جزء اصلی رژیم توانگری مالی ۲[2] برای کشورهای اتحادیه اروپا، پذیرفته شده است.

آن چه که در مقابل نظریه «مدیریت ریسک بنگاه» به منظور مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه و در کل موسسات مالی قرار می‌گیرد، عقاید و اصول «اقتصاد نئوکلاسیک[3]» است؛ مقایسه بین عقاید و اصول مدیریت ریسک بنگاه و چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک مجموعه‌ای از تضادها و تباین‌ها را آشکار خواهد کرد (اینگرام و همکاران[4]، ۲۰۱٤). به بیان دیگر در شرکت‌های بیمه و به خصوص برای بیمه‌های درمان تکمیلی و در بین مدیران آن‌ها نگرش‌های متفاوتی نسبت به مدیریت ریسک وجود دارد. برخی از آن‌ها پیرو اصول و عقاید «مدیریت ریسک بنگاه» هستند و در مقابل برخی دیگر پایبند به ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای مکتب «اقتصاد نئوکلاسیک»؛ نوع تصمیم‌گیری و اثرات ناشی از اتخاذ آن تصمیم‌ها به میزان پایبندی و رعایت این اصول در بین مدیران بیمه‌های درمان بستگی دارد.

1. Enterprise Risk Management (ERM)
2. Solvency II Regime
3. Neoclassical Economics
4. Ingram et al.

www.SID.ir

این مقاله پس از تشریح و توضیح کامل این دو نگرش و احصاء شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها، میزان پایبندی مدیران بیمه‌های درمان را در شرکت‌های منتخب بیمه ایرانی را بررسی کند. یعنی این مقاله در پی بررسی تقابل رویکردهای اصول و مبانی اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه در مدیریت ریسک بیمه‌های درمان و این که شرکت‌های بیمه کدامیک از این دو رویکرد را انتخاب می‌کنند، است. در راستای دستیابی به این هدف، ابتدا اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع را توضیح خواهیم داد و پس از آن به بیان مبانی نظری موضوع می‌پردازیم. در این بخش، مفاهیم فرهنگ ریسک، فرهنگ ریسک بر محوریت تئوری عقلانیت متکثر، نگرش‌های عقاید اساسی اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه و بررسی این دو نگرش بر محوریت تئوری عقلانیت متکثر را تشریح خواهیم کرد. در ادامه مقاله به بیان پیشینه تحقیق خواهیم پرداخت. سپس روش‌شناسی تحقیق که استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی[1] است، توضیح خواهیم داد و یافته‌های تحقیق براساس این روش را بیان می‌کنیم. در نهایت، در بخش پایانی، به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد خواهیم پرداخت.

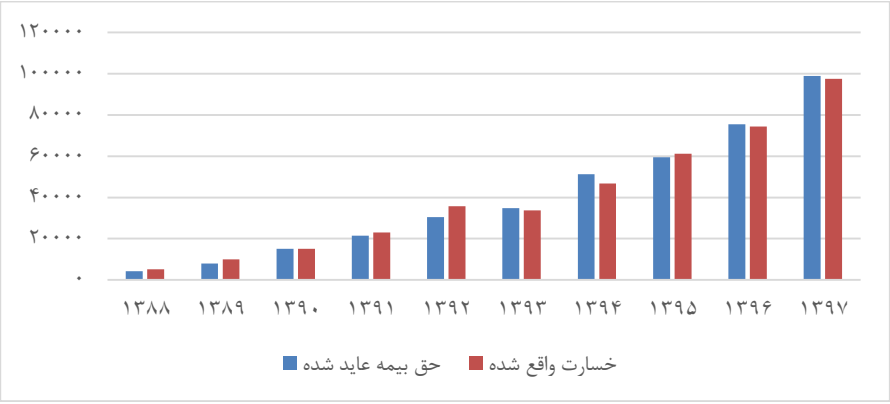
۱. اهمیت موضوع

زیادبودن سهم بیمه درمان تکمیلی از کل صنعت بیمه هم در حق بیمه تولیدی و هم در پرداخت خسارت از جمله دلایلی است که اهمیت موضوع و ضرورت پرداختن به آن را توجیه می‌کند. حق بیمه تولیدی بیمه درمان تکمیلی در سال ۱۳۹۷ معادل ۱۱۹۲۵۰/۶ میلیارد ریال و سهم آن از کل پورتفوی صنعت بیمه کشور معادل ۲۶/۲ درصد بوده است. این در حالی است که خسارت پرداخت شده در این رشته برای همان سال ۹۵۶۰۹/۳ ریال و سهم آن از کل پورتفوی صنعت بیمه کشور معادل ۳۳/۱ درصد بوده است (سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه). نمودارهای زیر، عملکرد صنعت بیمه کشور در رشته درمان تکمیلی برای سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار (۱) حق بیمه عاید شده و

1. Analytic Hierarchy Process

www.SID.ir

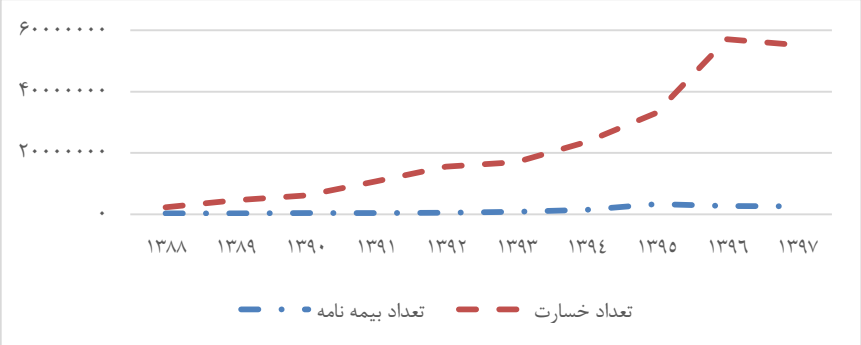
خسارت واقع شده در این رشته، برای بازه زمانی مذکور، دارای روندی صعودی است که در سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ و همچنین در سال ۱۳۹۵ میزان خسارت واقع شده از حق بیمه عاید شده بیشتر بوده است و این منجر به بروز ضریب خسارت بالای ۱۰۰ درصد برای این سال‌ها شده که در نمودار (۳) به وضوح قابل مشاهده است. این در حالی است که از سال ۱۳۹۳ میزان خسارت واقع شده از حق بیمه عاید شده تفاوت قابل توجهی یافت و منجر به کاهش ضریب خسارت این رشته گردید. اما ضریب خسارت در این رشته هیچ‌گاه به کمتر از ۹۱ درصد کاهش نیافت و این رشته همواره جزء رشته‌های پرخسارت در سال‌های اخیر بوده است. ضریب خسارت بیمه‌های درمان تکمیلی در سال‌های اخیر با نوساناتی مواجه بوده است و از ۱۰۰/٤۹ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۷/٤ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. امّا همزمان با اجرایی‌شدن طرح تحول سلامت، این متغیر در ابتدا روند کاهشی، امّا سپس روندی افزایشی را تجربه کرده است. با این اوصاف همانطور که در نمودار (۲) نیز مشاهده می‌شود تعداد بیمه‌نامه‌ها دارای روندی باثبات بوده است و تعداد خسارت‌های این رشته تا سال ۱۳۹٦ صعودی بوده است.



نمودار ۱. میزان خسارت واقع شده و حق بیمه عاید شده بیمه درمان تکمیلی به میلیارد ریال

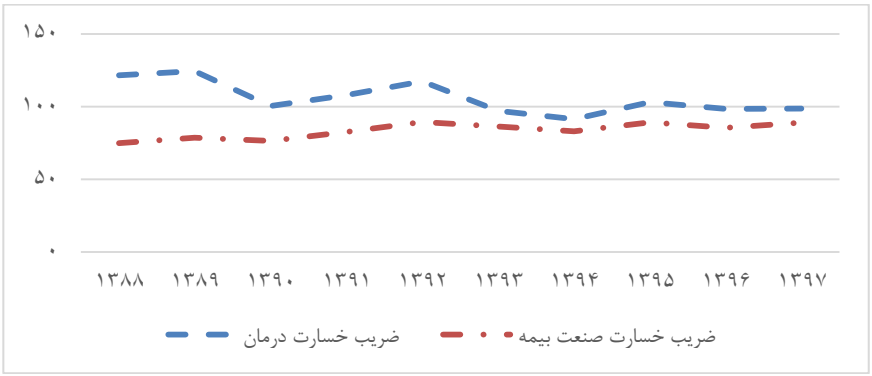
(مأخذ: نتایج پژوهش بر اساس داده‌های مستخرج از سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه)

www.SID.ir



نمودار ۲. تعداد خسارت‌ها و تعداد بیمه‌نامه بیمه درمان تکمیلی

(مأخذ: **نتایج پژوهش بر اساس داده‌های مستخرج از سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه**)



نمودار ۳. ضریب خسارت صنعت بیمه و بیمه درمان تکمیلی

(مأخذ: نتایج پژوهش بر اساس داده‌های مستخرج از سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه)

با توجه به نمودار فوق، ضریب خسارت بیمه درمان تکمیلی همواره بیش از ضریب خسارت صنعت بیمه برای دوره مورد مطالعه بوده است. روند افزایشی ضریب خسارت بیمه درمان می‌تواند ناشی از دو علّت باشد؛ ۱. عدم توجه به یافته‌های اکچوئری در تعیین حق بیمه و ۲. عدم رعایت مباحث علمی و استانداردهای روشن و دقیق در ارزیابی خسارت‌های مربوط به این رشته. تحقیقات نشان داده است که در سال‌های اخیر، حق بیمه این رشته، متأثر از افزایش و نوسانات نرخ ارز و شرایط اقتصادی کشور، تغییر یافته است (کردبچه و احمدی، ۱۳۹۶). همچنین وجود روند فزاینده ضریب خسارت این رشته متأثر

www.SID.ir

از تعیین حق بیمه و نحوه ارزیابی خسارت است[1]. بنابراین رعایت اقدامات مؤثر برای مدیریت و کنترل خسارت‌ها از طریق اتخاذ رویکرد مناسب در ارزیابی دقیق و علمی خسارت‌ها در این رشته و از طرف دیگر تعیین حق بیمه‌های فنی و دقیق، از اهمیت و اولویت ویژه‌ای در کاهش و بهبود میزان ضریب خسارت و در کل مدیریت ریسک موجود در این رشته برخوردار است. لذا با توجه به اهمیت بیمه‌های درمان تکمیلی در کنترل ضریب خسارت در کل صنعت بیمه از یک طرف و با عنایت به افزایش چشم‌گیر تعداد خسارات پرداختی برای این رشته، می‌بایست به امر مدیریت ریسک در این رشته و احصاء نقاط ضعف و قوت آن توجه و عنایت ویژه‌ای معطوف شود.

۲. مبانی نظری

توجه به فرهنگ‌های سازمان‌ها[2] و بررسی اثرات آن بر عملکرد مدیریت، با ظهور بحران مالی سال ۲۰۰۸، مورد عنایت و توجه بیشتری قرار گرفت. با این وجود، در سالیان اخیر یک تغییر نگرش راجع به واژه فرهنگ اتفاق افتاد و به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، شرکت‌ها و رگولاتورها در کشورهای مختلف، بر مقوله مهمی که نام آن را فرهنگ ریسک[3] می‌نهند، متمرکز شده‌اند. بسیاری از مطالعات، فرهنگ ضعیف ریسک را عامل اصلی برای شکست شرکت‌های مالی بزرگ طی دهه گذشته می‌دانند. اما تبیین و تفسیر آن صرفاً به توصیف اقدامات مدیریت ریسک در یک سازمان خاص محدود می‌شود و به مراتب موضوعاتی همچون باورها، عقاید و انگیزه‌ها که مقوّم و قائمه فرهنگ می‌باشند، کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲-۱. فرهنگ ریسک

در تحقیقات مربوط به مدیریت ریسک بنگاه، فرهنگ ریسک به عنوان عنصری در موفقیت طرح و برنامه این نوع مدیریت ریسک قلمداد می‌شود (اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤). با این

---

۱. البته امکان تقلب و تخلف گسترده در این رشته نسبت به سایر رشته‌ها را نباید از نظر دور داشت.

2. Cultures of Organizations
3. Risk Culture

www.SID.ir

وجود در برخی موارد «فرهنگ ریسک» صرفاً به یک واژه محدود می‌شود که آن واژه نشان‌دهنده رفتارها و اقداماتی است که با وظیفه و مأموریت مدیریت ریسک[1] سازگاری و تطابق دارد. لذا فرض می‌کنیم که فرهنگ ریسک، عبارت است از «شیوه نظر کردن، انجام و تعدیل مقولات».

مفهوم «فرهنگ» همگام با بروز و ظهور بحران مالی قرن بیست و یکم به‌طور معناداری مورد توجه ویژه علم مدیریت قرار گرفت. از نگاه صاحب‌نظران، علل اصلی بروز بحران مذکور باید در مقوله فرهنگ جستجو شود؛ فرهنگ نقش مؤثری در ایجاد بحران داشته است و تغییرات فرهنگی می‌تواند مانع از ایجاد مجدد چنین بحران‌هایی شود(والکر[2]، ۲۰۱۹). بنابراین اصطلاح «فرهنگ ریسک» ظهور کرد و بحث پیرامون تغییر فرهنگ مورد توجه قرار گرفت. تاکنون تحقیقات زیادی راجع به آن انجام شده است. به عنوان نمونه هیأت ثبات مالی[3] در سال ۲۰۱٤ در تحقیقی راجع به فرهنگ ریسک در موسسات مالی نشان داد که «ضعف» در فرهنگ ریسک معمولاً به عنوان عاملی اصلی در ایجاد بحران‌های مالی جهانی محسوب می‌شود و چنین استدلال کرد که فرهنگ ریسک یک موسسه مالی، نقش مهمی در اثرگذاری بر تصمیمات و اقدامات افراد سازمان و نیز در شکل‌گیری ویژگی‌های سازمانی در مواجهه با سهامداران و نهادهای ناظر آن ایفا می‌کند. همچنین کمیته بیمه‌های اروپایی[4] تأکید کرد که امر بیمه‌گری ایجاب می‌کند که فرهنگ سازمانی، اطمینان ایجاد کند که آن فرهنگ قادر به انجام و حمایت از عملیات کارای شرکت است. این مهم توسط مدیریت ارشد شرکت که ارزش‌ها و اولویت‌های سازمانی مناسب را ارائه می‌کنند، محقق خواهد شد. به طور مشابه، موسسه بین‌المللی مالی[5]، فرهنگ ریسک را به عنوان عامل اصلی در مدیریت مؤثر ریسک قلمداد می‌کند. اگرچه چیستی «فرهنگ ریسک» و این که چه نقشی در چارچوب مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه ایفا می‌کند، همچنان مبهم است (رچمن[6]، ۲۰۱٤).

1. Risk Management Mission.
2. Walker.
3. Financial Stability Board.
4. The Committee of European Insurance and Occupational Pensions and Supervisors (CEIOPS).
5. International Institute of Finance.
6. Roschmann

www.SID.ir

مطالعه شرکت‌های بیمه در اروپا توسط آشاریا و جانسون[1] (۲۰۰۶) نشان داد که سیستم‌های مدیریت ریسک کنونی بیمه‌گران، دیدگاهی بیش از حد قطعی و فنی[2]، بدون توجه به مسائل ذهنی را در نظر می‌گیرند. در نتیجه در این قبیل شرکت‌ها مشکلات ناشی از ترکیب ارزش‌های فرهنگی با خط‌مشی‌ها و سیاست‌هایی که برای مدیریت ریسک طراحی شده‌اند، به چشم می‌خورد. بنابراین، فرهنگ ریسک به عنوان تبیینی برای انتخاب‌ها و نحوه رفتارها که منجر به بحران مالی در دهه اخیر شد، قلمداد می‌شود. از آن جایی که سایر عوامل مانند عوامل اقتصادی، جمعیتی و سازمانی برای ایجاد آن بحران ناکافی مفروض شده‌اند، لذا چنین تصور می‌شود که فرهنگ عامل مؤثر آن بوده است (اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤).

در بین رگولاتورها و شبه‌رگولاتورها مانند موسسات رتبه‌بندی که بخش مالی به خصوص شرکت‌های بیمه را رصد می‌کنند، طیف وسیعی از انواع تغییرات در فرهنگ مد نظر است و در بحث‌هایی راجع به این که کدام یک از تغییرات گریزناپذیر است، اجماع شده است. چنین اجماعی در قالب ده اصل ظهور و بروز کرده است؛ مبنی بر این که شرکت‌ها باید خود را با این موارد تطابق دهند و رگولاتورها نیز باید بررسی‌های خود را برای بقا و بهبود مدیریت ریسک بنگاه‌ها تقویت کنند. این ده مورد را «اقدامات توصیه شده رایج برای فرهنگ سالم ریسک[3]» می‌نامند که براساس جدول (۱) مدون شده‌اند.

1. Acharyya and Johnson
2. Deterministic and Technical View
3. Commonly Recommended Practices for Healthy Risk Culture

www.SID.ir

جدول ۱. اقدامات توصیه شده رایج برای فرهنگ سالم ریسک

۱	حاکمیت ریسک[1]	درگیر کردن هیأت‌مدیره در فرایند مدیریت ریسک.
۲	اشتهای ریسک[2]	میزان معین و مشخص از ریسک که شرکت مایل است آن را بپذیرد.
۳	پاداش	پاداش‌هایی که منجر به ایجاد انگیزه در کارکنان می‌شود و با اهداف مدیریت ریسک تضاد ندارد.
٤	فضای اخلاقی[3]	هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد سازمان به عنوان حامی مدیریت ریسک اقدام می‌کنند.
٥	پاسخگویی	افراد برای نقض محدوده‌های ریسک[4] پاسخگو می‌باشند.
٦	چالش	اختلافات عمومی راجع به ارزیابی ریسک پذیرفتنی است.
۷	سازمان ریسک[5]	افرادی شامل مدیر ارشد ریسک برای مسؤولیت‌های خاص منصوب می‌شوند تا برنامه مدیریت ریسک را تسهیل کنند.
۸	ارتباط و مشارکت	مدیریت ریسک شغل همه افراد است و هر کس می‌داند چه چیز اتفاق خواهد افتاد.
۹	ارتباط با راهبرد و برنامه[6]	برنامه مدیریت ریسک با راهبرد سازمان سازگار است؛ برنامه‌ریزی با توجه به اطلاعات ریسک است.
۱۰	تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک	هیچ کس عملکرد خود را با توجه به ریسک و مدیریت ریسک ارزیابی نمی‌کند.

(مأخذ: اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤).

۲-۲. فرهنگ ریسک بر محوریت تئوری عقلانیت متکثر

در این مقاله چارچوب فرهنگ ریسک براساس مطالعات داگلاس[7] که به «تئوری عقلانیت متکثر» مشهور است، طراحی شده است؛ این چارچوب، بحث فرهنگ را بر دو بُعد مستقل و قابل اندازه‌گیری «سلسله‌مراتب و وابستگی[8]» بنا نهاده است که منتج به چهار حالت می‌شود که در جدول (۲) بیان شده است.

1. Risk Governance
2. Risk Appetite
3. Tone at the Top
4. Violations of Risk Limits
5. Risk Organization
6. Link to Strategy and Planning
7. Douglas, 1982.
8. Hierarchy and Attachment

www.SID.ir

جدول ۲. فرهنگ ریسک مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر

سلسله مراتب پایین، وابستگی بالا: **فرهنگ محافظه کار**[1] دنیا را بسیار پرریسک قلمداد می‌کند، الزام به رویکردی بسیار محتاطانه برای پذیرش ریسک دارد و معمولاً در پی کاهش ریسک است.	**سلسله مراتب پایین، وابستگی پایین:** **فرهنگ حداکثرکننده**[2] انتظار دارد هر نوع زیانی (خسارتی) به وسیله عواید متعاقب آن جبران شود، و هنگامی خطرها را می‌پذیرد که غرامت (قیمت) مناسب باشد.
سلسله مراتب بالا، وابستگی بالا: **فرهنگ مدیر**[3] دنیا را نسبتاً پرریسک (متوسط) قلمداد می‌کند و ریسک را مقوله‌ای می‌داند که قابل مهار است. معمولاً این فرهنگ قرابت بسیار زیادی به ایده‌هایی دارد که از آن به عنوان «مدیریت ریسک بنگاه» یاد می‌شود.	**سلسله مراتب بالا، وابستگی پایین:** **فرهنگ عملگرا**[4] موارد غیر قابل مشاهده را در دنیا می‌بینند و معمولاً مواردی را انتخاب می‌کند که مانع از الزام و تعهد و نیز تمرکز بیش از حد بر هر نوع ریسکی شود.

(مأخذ: داگلاس، ۱۹۸۲)

معمولاً ترجیح‌های موسسات مالی به خصوص شرکت‌های بیمه با چهار فرهنگ فوق‌الذکر سازگار و مطابق خواهد بود. اما با اتخاذ رویکرد تئوری عقلانیت متکثر، بسیاری از سایر جنبه‌های «فرهنگ ریسک» ظهور و بروز می‌یابند. در تحقیقی که آندروود و همکاران[5] (۲۰۱٤) منتشر کردند، نمایی کلّی از جنبه‌های چهار فرهنگ فوق‌الذکر بیان شده است. در این میان فرهنگ «مدیر» تطابق بسیاری زیادی با مضمون اصول مدیریت ریسک بنگاه دارد.

1. Conservator
2. Maximizer
3. Manager
4. Pragmatist
5. Underwood et al.

www.SID.ir

۳-۲. فرهنگ‌های ترکیبی[1]

از آن جایی که ترجیحات متنوع ریسک وجود دارد، فرهنگ‌های متنوع ریسک نیز می‌تواند وجود داشته باشد. براساس نظریه ادوار تجاری[2]، در دوران رونق اقتصادی که معمولاً متعاقب آن شرایط سخت مالی ایجاد می‌شود، مدیران ارشد مالی قطعاً به نقش خود در سازمان که همانا تسهیل‌کننده شرایط است، پی خواهند برد. در چنین شرایطی ایشان معمولاً ترکیبی از رویکردهای «مدیر» و «حداکثرکننده» را به عنوان برنامه مدیریت ریسک بنگاه اتخاذ می‌کنند. تحقیقات انجام‌شده بر روی مدیران شرکت بیمه نشان می‌دهد که ترکیب «مدیر/ حداکثرکننده» می‌تواند با بیشترین تیم‌های مدیریتی تطابق یابد. با این وجود ممکن است در شرایط مختلف و با تیم‌های مدیریتی متفاوت، ترکیب «مدیر/محافظه‌کار» و یا ترکیب «مدیر/ عمل‌گرا» موفقیت‌آمیزتر باشند. همچنین ممکن است در برخی موارد شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که مدیریت دچار عدم امکان انتخاب در ترجیحات گردد. در چنین شرایطی آن چه که محیط بر شرکت و تیم مدیریتی تحمیل می‌کند، اتخاذ خواهد شد (آندروود و همکاران، ۲۰۱٤).

۲. عقاید اساسی اقتصاد نئوکلاسیک

به دنبال فعالیت توماس سارجنت[3]، نظریه‌پردازان انتظارات عقلایی که به اصول نظریه‌پردازی تعادلی نیز وفادار بودند، به مکتب اقتصاد کلاسیک جدید معروف شدند. مکتب کلاسیک جدید به دنبال احیای روش‌های کلاسیک برای تحلیل تعادل با این فرض بود که بازارها به طور پیوسته در چارچوب بازارهای رقابتی تسویه می‌شوند. فرضیه تسویه بازار که دلالت بر انعطاف‌پذیری کامل و آنی قیمت‌ها دارد، پرمجادله‌ترین جنبه نظریه کلاسیک جدید است (اسنودان و وین[4]، ۲۰۰۵). با این وجود برخی از عقاید رایج اقتصاد نئوکلاسیک که بسیاری از مکاتب اقتصادی به طور قابل توجهی در پی‌تقویت آن‌ها هستند، عبارتند از انتظارات عقلایی، تئوری مطلوبیت، بازارهای کارا،

1. Hybrid Cultures
2. Business Cycle Theory
3. Thomas J. Sargent
4. Snowdon & Vane

www.SID.ir

تعادل عمومی، قانون قیمت واحد، حداکثرسازی ارزش سهامدار[1] (اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤)؛ که ارزش سهامدار، به معنی ارزشی است که در نتیجه توانایی مدیریت شرکت در افزایش فروش، درآمد و جریان نقدی در طی زمان به سهامدار اعطا می‌شود. ارزش سهامدار یک شرکت، به تصمیمات راهبردی اتخاذ شده توسط مدیریت ارشد آن شرکت، که شامل توانایی او در انجام سرمایه‌گذاری‌های عقلایی و کسب سودهای قابل توجه از محل این سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود، بستگی دارد. اگر چنین ارزشی در بلند مدت ایجاد شود، قطعاً منجر به افزایش قیمت سهام شرکت در بازار بورس و اوراق بهادار خواهد کرد و لذا سود بیشتری بین سهامداران آن تقسیم خواهد شد.

۱-۲. عقاید اساسی مدیریت ریسک بنگاه[2]

مدیریت ریسک بنگاه به عنوان فرایندی است که توسط آن سازمان‌ها به منظور افزایش ارزش کوتاه‌مدت و بلندمدت سهام سازمان، ریسک‌ها را ارزیابی، کنترل، بهره‌برداری، تامین مالی و پایش می‌کنند. یافته‌های هویت و لیبنبرگ[3] (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که بین ارزش شرکت و استفاده از مدیریت ریسک بنگاه رابطه مثبت وجود دارد و استدلال کردند که مدیریت ریسک بنگاه آگاهی راجع به ریسک افزایش می‌دهد و باعث تسهیل عملیات بهتر، تصمیم‌گیری استراتژیک و تخصیص بهتر منابع در یک محیط ریسکی را می‌شود.

۲-۲. عقاید و اصول اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه و تئوری عقلانیت متکثر

مقایسه بین عقاید و اصول مدیریت ریسک بنگاه و چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک مجموعه‌ای از تضادها و تباین‌ها را آشکار خواهد کرد. به طور مصداقی، اقتصاد نئوکلاسیک چنین پیشنهاد نمی‌کند که شرکت‌ها باید برای مدیریت ریسک منابع خود را هزینه کنند؛ بلکه بر این عقیده است که سرمایه‌گذاران می‌توانند ریسک‌های سرمایه‌گذاری‌شان در سطح پرتفو را به صورت

1. Shareholder Value
2. Enterprise Risk Management (ERM)
3. Hoyt and Liebenberg

www.SID.ir

مؤثرتری مدیریت کنند. در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک، شکست یک بنگاه، بالذات مشکل‌آفرین نیست؛ زیرا برای سیستم، بهتر است که بنگاه ناکارآمد دچار شکست شود تا از این طریق، منابع آن برای سایر فعالیت‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرد. زیرا از آن جایی که سرمایه‌گذاران پیرو اقتصاد نئوکلاسیک ریسک‌های ذاتی سرمایه‌گذاری‌های فردی در پرتفو را متنوع می‌کنند، لذا در انتها هزینه‌های شکست تعدادی از بنگاه‌ها، کمتر از هزینه عملکرد تک‌تک بنگاه‌ها برای از بین‌بردن ریسک، به منظور کاهش احتمال شکست ایشان، خواهد بود. به عبارت دیگر از نظر ایشان، هزینه شکست بنگاه، کمتر از هزینه اقدام برای تخفیف ریسک خواهد بود (اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤). در جدول (۳) مقایسه ده اقدام توصیه شده فرهنگ ریسک که در جدول (۱) تشریح شده است، در قالب اصول و عقاید مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک ارائه می‌شود.

جدول ۳. مقایسه ده اصل فرهنگ ریسک با مبانی مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک

	مبانی فرهنگ ریسک		اصول مدیریت ریسک بنگاه	اصول اقتصاد نئوکلاسیک
۱	**حاکمیت ریسک**	درگیر کردن هیأت مدیره در مدیریت ریسک.	بقای شرکت باید اولویت اصلی هیأت مدیره باشد؛ درگیری هیأت مدیره در فرایند مدیریت ریسک، این هدف را پشتیبانی می کند.	هیأت مدیره باید اقدام به نمایندگی از منافع سهامداران، در کل ارائه بهترین خدمات بدون هزینه‌های مدیریت ریسک کند.
۲	**اشتهای ریسک**	میزان معین و مشخص از ریسک که شرکت مایل است آن را بپذیرد.	بهره‌برداری و مدیریت سیستماتیک ریسک با ارزش است؛ ترجیحات برای ریسک برای پاداش متقارن هستند.	بهتر است این تمایل ایجاد شود که هر نوع ریسکی که منجر به تقویت ارزش سهامدار می‌شود، پذیرفته شود.
۳	**پاداش**	پاداش‌هایی که منجر به ایجاد انگیزه در کارکنان می‌شود با اهداف مدیریت ریسک تضاد ندارد.	محرک‌های ایجاد شده غیرعقلایی[1] می‌تواند بدون توجه به بقای شرکت یا ترجیحات متقارن ریسک و پاداش (بازده)، منجر به تهییج	محرک‌ها باید منافع مدیریت به عنوان عاملان عقلایی را با منافع سهامداران به عنوان عاملان عقلایی، به عنوان مثال به منظور افزایش ارزش، سازگار کنند.

1. Unwisely Constructed Incentives

www.SID.ir

	مبانی فرهنگ ریسک		اصول مدیریت ریسک بنگاه	اصول اقتصاد نئوکلاسیک
			ریسک‌پذیری فزاینده شود.	
٤	**فضای اخلاقی**	هیأت مدیره و مدیریت ارشد سازمان به عنوان حامی مدیریت ریسک اقدام می کنند.	بقای شرکت باید اولویت اصلی هیأت‌مدیره باشد؛ درگیر شدن هیأت‌مدیره در فرایند مدیریت ریسک، این هدف را پشتیبانی می‌کند.	هیأت‌مدیره و مدیریت ارشد باید اقدام به نمایندگی از منافع سهامداران، در کل ارائه بهترین خدمات بدون هزینه‌های مدیریت ریسک کنند؛ رهبری شرکت و کارکنان آن باید عقلایی رفتار کنند.
٥	**پاسخگویی**	افراد برای نقض محدودیت‌های ریسک[1] پاسخگو می‌باشند.	الزام به توجه بیشتر به ریسک؛ اتخاذ تصمیمات راجع به ریسک‌های با اهمیت بیشتر باید دارای مصوبه‌ای از سطوح عالی سازمان باشد.	بهتر است این تمایل ایجاد شود که هر نوع ریسکی که منجر به تقویت ارزش سهامدار می‌شود، پذیرفته شود. ریسک‌هایی که به بازار نزدیکتر هستند، می‌توانند بهترین قضاوت را راجع به ارزش‌ها انجام دهند.
٦	**چالش**	اختلافات عمومی راجع به ارزیابی ریسک پذیرفتنی است.	بحث‌ها پیرامون ریسک باید مناسب باشد به این منظور که راجع استفاده از بهترین نظرات و سنجش‌های ریسک توسط کارشناسان زبده، اطمینان حاصل شود.	بازار ریسک‌ها را ارزیابی می‌کند و بازار مجموعه‌ای از قیمت‌ها را که با تمامی اطلاعات در دسترس ممزوج شده‌اند، تنظیم خواهد کرد؛ الزامی به بحث وجود ندارد.
۷	**سازمان ریسک**	افرادی شامل مدیر ارشد ریسک برای مسؤولیت‌های خاص منصوب می‌شوند تا برنامه مدیریت ریسک را تسهیل کنند.	الزام به توجه بیشتر به ریسک؛ اتخاذ تصمیمات راجع به ریسک‌های با اهمیت بیشتر باید دارای مصوبه‌ای از سطوح عالی سازمان باشد.	معمولاً مدیریت ریسک در یک بنگاه، جزء علایق و منافع سهامداران نیست؛ چگونه این افراد و فعالیت‌ها به ارزش سهامدار اضافه خواهند شد؟
۸	**ارتباط و مشارکت**	مدیریت ریسک شغل همه افراد است و هر کس می‌داند چه چیز اتفاق می‌افتد.	این که مدیریت ریسک شغل و دغدغه تمامی افراد شود، بهترین تضمین برای این موضوع است که ریسک به بهترین حالت تحت کنترل است؛ شفافیت در این زمینه	مدیریت ریسک باید به فعالیت‌هایی که به وضوح منجر به افزایش ارزش سهامدار می‌شود و نیز فعالیت‌هایی که به‌طور ویژه توسط رگولاتورها الزامی شده است، محدود شوند؛ ارتباط باید بر مبنای

1. Violations of Risk Limits

www.SID.ir

	مبانی فرهنگ ریسک		اصول مدیریت ریسک بنگاه	اصول اقتصاد نئوکلاسیک
			باعث افزایش احتمال این می‌شود که سیاست‌های مدیریت ریسک مورد اقبال قرار خواهد گرفت.	اطلاعات مورد نیاز باشد.
۹	**ارتباط با راهبرد و برنامه**	برنامه مدیریت ریسک با راهبرد سازمان سازگار است؛ برنامه‌ریزی با توجه به اطلاعات ریسک است.	از عدم شکست بنگاه پشتیبانی خواهد کرد.	راهبردها و برنامه‌های اصلی شرکت باید بر افزایش ارزش سهامدار متمرکز باشد؛
۱۰	**تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک**	هیچ کس عملکرد خود را با توجه به ریسک و مدیریت‌ریسک ارزیابی نمی‌کند.	ریسک می‌تواند و باید اندازه‌گیری شود؛ این سنجش یک عمل فنی است که به کارشناسان زبده نیازمند است و باید به طور مستقل و بی‌طرفانه انجام شود.	افزایش در ارزش سهامدار تنها سنجش مهم برای اثربخشی تصمیمات مدیریت است.

(مأخذ: اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤).

این مقایسه به این معنا نیست که اصول مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک نمی‌توانند به صورت همزمان در یک شرکت مورد استفاده کارا قرار گیرند. به‌عنوان مثال بسیاری از شرکت‌ها راهبردهای قیمت‌گذاری و تکنیک‌های حسابداری ارزش منصفانه را که با اصول اقتصاد نئوکلاسیک مطابق است، در کنار اقدامات مدیریت ریسک که با اصول مدیریت ریسک بنگاه مطابق و سازگار است، به کار می‌گیرند. با وجود آن که تئوری عقلانیت متکثر[1] چهار گروه اصلی از عقاید ریسک که در جدول ٤ آمده است را تشریح و تبیین می‌کند، اما در عالم واقع سازمان‌ها ترکیبی از این عقاید و باورها را به کار می‌گیرند.

1. Plural Rationality Theory

www.SID.ir

جدول ٤. عقاید ریسک و راهبرد مرجح بر اساس تئوری عقلانیت متکثر

گروه	عقاید ریسک	راهبرد مُرجّح
حداکثرکننده	دنیا تمایل به حرکت به سوی تعادل پایدار دارد و لذا ریسک یک مقوله موقت و بی اهمیت است.	تجارت ریسک[1]: پذیرش ریسک‌هایی که به طرز صحیح و خوب قیمت‌گذاری شده‌اند، حتی ریسک‌های بسیار بزرگ، به منظور حداکثرسازی سود.
مدیر	ریسک در طی یک محدوده معین قابل پیش‌بینی است اما خارج از آن بسیار خطرناک است.	هدایت ریسک[2]: توازن دقیق بین ریسک و پاداش در یک محدوده معین، با استفاده از کارشناسان فنی.
محافظه کار	دنیا خطرناک است و تعادل متزلزل است.	کنترل زیان: کاهش ریسک به منظور پرهیز از نتایج ویرانگر.
عمل گرا	دنیا به طور ذاتی غیر قابل پیش‌بینی است و ریسک به خوبی نمی‌تواند فهمیده شود.	تنوع: گزینه‌ها باز و آزاد باشند؛ در جستجوی آزادی به منظور واکنش به تغییرات شرایط.

(مأخذ: اینگرام و همکاران، ۲۰۱٤)

با توجه به چارچوب تئوری عقلانیت متکثر، ملاحظه می‌شود که اصول و عقاید اقتصاد نئوکلاسیک با نگرش «حداکثرکننده» در تطابق و سازگاری است و همچنین اصول و عقاید مدیریت ریسک بنگاه با نگرش «مدیر» در تطابق است.

۳. مروری بر پیشینه تحقیق

دهقانی و شهریار (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان « الگوی پیشنهادی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه» به ارائه الگویی برای مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه در راستای استقرار نظام حاکمیت شرکتی با ملاحظات نظارتی پرداختند. در این مقاله، پس از بیان مبانی نظری استانداردها و چارچوب‌های بین‌المللی مدیریت ریسک بنگاه، به ارائه یک الگوی نظری برای استقرار مدیریت ریسک بنگاه پرداخته شده است.

1. Risk Trading
2. Risk Steering

www.SID.ir

همچنین پیامدهای فقدان الگوی مدون مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه ایرانی تشریح شده و نقش و جایگاه ساختار پیشنهادی مدیریت ریسک در اداره شرکت‌های بیمه با ملاحظات نظارتی بیان شده است.

شهریار و صیادزاده (۱۳۹۶) در طرح پژوهشی خود با عنوان «طراحی الگوی راهنمای استقرار مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه» به طراحی این الگو در راستای استقرار سیستم حاکمیت شرکتی موضوع آیین‌نامه شماره ۹۳ شورای عالی بیمه با ملاحظات نظارتی پرداخته‌اند. این طرح، پس از مطالعه و بررسی استانداردهای عمومی و نظارتی بیمه‌ای و همچنین مطالعه وضعیت موجود و الزامات و پیش‌شرط‌های استقرار مدیریت ریسک بنگاه در صنعت بیمه ایران در راستای استقرار نظام مدیریت ریسک بنگاه، اقدام به استخراج الگوی مناسب در این زمینه نموده است.

لکنر و گاتزرت[1] (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی عوامل تعیین‌کننده و ارزش مدیریت ریسک بنگاه با مطالعه موردی کشور آلمان پرداختند. هدف این مقاله، تجزیه و تحلیل تجربی ویژگی‌های شرکت که تعیین‌کننده کاربرد یک سیستم ERM[2] هستند و بررسی تاثیر ERM بر ارزش بنگاه است. این مقاله روی شرکت‌هایی که در بورس سهام آلمان قرار دارند تمرکز کرده است و با استفاده از روش رگرسیون نشان می‌دهد که اندازه، تنوع بین‌المللی و بخش صنعت بر اجرای یک سیستم ERM تاثیر مثبت می‌گذارند و اهرم مالی با ERM رابطه منفی دارد. علاوه بر این، نتایج این مقاله تاثیر مثبت قابل توجه ERM بر ارزش سهامدار را تأیید می‌کند.

کمیته حامی سازمان‌های کمیسیون تردوی (۲۰۱۷)، در کتابی تحت عنوان «اقتصاد کلان نوین (منشأ، سیر تحول و وضعیت فعلی)» که توسط فروغ‌نژاد و احمدی ترجمه شده است به ارائه مفاهیم و کاربردهای جاری و در حال تکامل تدریجی مدیریت ریسک بنگاه می‌پردازد و چارچوبی برای بهبود راهبردها و تصمیم‌گیری ارائه می‌دهد.

1. Lechner and Gatzert
2. Enterprise Risk Management

www.SID.ir

کاردگر و مظهری موسوی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تاثیر مدیریت ریسک شرکتی بر عملکرد عملیاتی در شرکت‌های بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به تجزیه و تحلیل اطلاعات شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت ریسک شرکتی تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد عملیاتی شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته است. همچنین از بین عوامل تاثیرگذار مدیریت ریسک شرکتی دو عامل اندازه شرکت و نظارت هیأت مدیره دارای تاثیر معنادار و مثبتی بر عملکرد عملیاتی بوده است.

اینگرام و همکاران (۲۰۱٤) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ ریسک، اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه» در مورد چگونگی برخورد عقاید اساسی اقتصاد نئوکلاسیک با رویه‌های توصیه شده ریسک بحث می‌کند و چگونگی تطابق اعتقاداتی که زیربنای مدیریت ریسک بنگاه هستند با رویه‌های ریسک پیشنهادی و تفاوت زیاد آن با عقاید اقتصاد نئوکلاسیک را بررسی می‌کند.

آندروود و همکاران (۲۰۱٤) در مقاله‌ای تحت عنوان «نگرش ریسک در مدیریت شرکت‌های بیمه و کاربرد آن در تشکیل فرهنگ ریسک» به بررسی تشخیص میزان همسویی نگرش مدیران شرکت‌های بیمه با چهار نوع فرهنگ ریسک می‌پردازد و نشان می‌دهد که تیم مدیریتی شرکت حاوی ترکیبی از اعتقادات است ولی همیشه این ترکیب یکسان نیست.

بررسی ادبیات پیشین حاکی از آن است که عمده مطالعات صورت گرفته در مورد صنعت بیمه کشور، پیرامون بررسی مفاهیم و کلیات فرهنگ ریسک، مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک به صورت مجزا بوده و تحقیق جامعی که در برگیرنده کل این مفاهیم باشد انجام نشده است. همچنین تاکنون تحقیق منسجمی در خصوص تقابل دو دیدگاه مدیریت ریسک از منظر اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه بر روی

www.SID.ir

شرکت‌های بیمه به طور عام و در رشته بیمه درمان به‌طور خاص انجام نشده است. در این مقاله تلاش می‌کنیم با استفاده از معیارهای مشخصی، تاثیر فرهنگ بر عملکرد مدیریت ریسک را از دو منظر ذکر شده بررسی کنیم. این ویژگی‌ها باعث تمایز این تحقیق با سایر تحقیق‌ها شده است.

٤. روش‌شناسی تحقیق

فرایند تحلیل سلسله مراتبی یکی از معروف‌ترین فنون تصمیم‌گیری است که می‌توان با طرح معیارهای متعدد نسبت به اولویت‌بندی گزینه‌ها اقدام نمود و جهت تصمیم‌گیری از دیدگاه‌های افراد خبره بهره جست. علت کاربرد بیشتر این تکنیک، سهولت تحلیل، دقت بالا و قابلیت کاربرد در بسیاری از موضوعات است. در مواردی که تعداد معیارها زیاد نباشد می‌توان از روش AHP استفاده کرد. در این تکنیک ممکن است نیازی به تعداد زیاد خبرگان نباشد و با تعداد افراد خبره کم نیز بتوان به جواب مناسب دست پیدا کرد. در این مقاله با توجه به اینکه تعداد معیارها زیاد نیست و همچنین با توجه اینکه موضوع تحت بررسی خاص است و تعداد خبرگان این موضوع زیاد نیست، به این نتیجه رسیدیم که روش AHP را به کار بگیریم. در این روش، اولویت‌بندی گزینه‌ها بر مبنای معیارها و وزن آن‌ها انجام می گیرد. میان گزینه‌ها نسبت به هم در هر معیار مقایسه زوجی صورت می‌گیرد و با تلفیق وزن‌های عناصر سطوح مختلف در سلسله مراتب، وزن شاخص و گزینه‌ها به دست می‌آید. در نهایت گزینه‌ای که بیشترین وزن را دارد بالاترین اولویت را به دست خواهد آورد. تعیین وزن و اهمیت هر معیار در ارتباط با سایر معیارها از ویژگی‌های روش AHP است که باعث می‌شود این روش نسبت به روش‌هایی که وزن معیارها به صورت متمایز و بدون انجام مقایسه زوجی با سایر معیارها محاسبه می‌شود، از دقت و اطمینان بالاتری برخوردار باشد.

در این مطالعه، ابتدا براساس مدل «اقدامات توصیه شده رایج برای فرهنگ سالم ریسک» در جدول (۱) اطلاعات مربوطه گردآوری و سپس معیارهای مؤثر در قالب یک پرسشنامه توسط گروه خبرگان و مدیران بیمه درمان تکمیلی در شرکت‌های بیمه تکمیل

www.SID.ir

گردید. جامعه آماری عبارتند از تمامی مدیران و کارکنان بیمه‌های اشخاص شرکت‌های بیمه که از این بین از ۱۳ مدیر، ٤ معاون و ١٦ رییس اداره صدور و یا خسارت پرسش شده است و براساس روش تحلیل سلسله مراتبی نتایج تحقیق حاصل شد.

نحوه امتیازدهی به پارامترها در ماتریس‌های مقایسه زوجی به این صورت است که در این ماتریس‌ها پارامترها به صورت دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند و طبق جدول ۵ امتیازدهی می‌شوند.

جدول ۵. مقیاس اهمیت‌های نسبی

ارزش	اولویت	توضیح
۱	ترجیح یکسان	گزینه یا شاخص i نسبت به j اهمیت برابر دارد و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند.
۳	کمی مرجح	گزینه یا شاخص i نسبت به j کمی مهم تر است.
۵	خیلی مرجح	گزینه یا شاخص i نسبت به j مهم تر است.
۷	خیلی زیاد مرجح	گزینه یا شاخص i دارای ارجحیت خیلی بیشتری از j است.
۹	کاملا مرجح	گزینه i از j مطلقا مهم‌تر و قابل مقایسه با j نیست.
۲و٤و٦و۸	بینابین	ارزش‌های، بین ارزش‌های ترجیحی را نشان می‌دهد.

(مأخذ: حبیبی و همکاران، ۱۳۹۳).

پس از تکمیل پرسشنامه توسط گروه خبرگان، میانگین هندسی نظرات کارشناسان به عنوان وزن هر پارامتر شناخته و در مرحله بعد سلسله مراتب مقایسه‌ها ساخته می‌شود که در بالاترین سطح هدف تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد که در اینجا نحوه تأثیر فرهنگ ریسک بر عملکرد مدیریت ریسک شرکت‌های بیمه در حوزه بیمه درمان تکمیلی از منظر اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه است. در سطح بعد معیارها قرار می‌گیرند که این معیارها در جدول (۱) بیان شد.

در این مرحله، پس از رتبه‌بندی گزینه‌ها و قبل از انتخاب گزینه نهایی، تحلیل حساسیت بر روی مسأله صورت می‌گیرد تا درجه اطمینان نتایج سنجیده شود. علاوه بر این، برای تهیه پرسشنامه و استانداردسازی آن جهت آزمون فرضیات تحقیق از

www.SID.ir

نظرات خبرگان استفاده شده است و پس از اعمال تغییرات مدنظر خبرگان، پرسشنامه در بین جامعه مورد نظر توزیع شد. همچنین از روش آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده شده است و جهت محاسبه آن از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و عدد ۰/۸۰۹ برای پرسشنامه به‌دست آمد که بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه است.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش گزینه‌ها با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی رتبه‌بندی شده‌اند. اصول «مدیریت ریسک بنگاه» با وزن ٦٢,١ درصد بالاترین رتبه را نسبت به هدف کلی به‌دست آورده و به عنوان بهترین شاخص مشخص شد و دارای اولویت بیشتری نسبت به اصول اقتصاد نئوکلاسیک است. همان‌طور که در جدول (٦) مشاهده می‌شود معیارها نیز براساس برترین گزینه یعنی اصول مدیریت ریسک بنگاه با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی رتبه‌بندی شده‌اند. معیارهای «اشتهای ریسک» و «تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک» نسبت به دیگر معیارها به عنوان بهترین شاخص مشخص شد و دارای بیشترین وزن است.

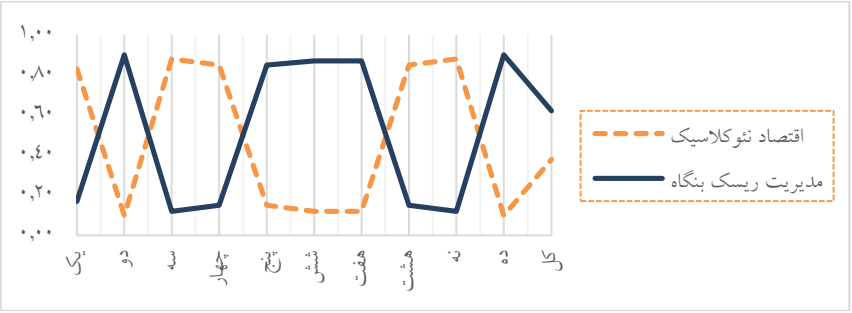
جدول ٦. رتبه‌بندی شاخص نسبت به گزینه برتر

شماره معیار در جدول (۱)	معیار	وزن (درصد)
۲	اشتهای ریسک	۲۰
۱۰	تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک	۲۰
۳	پاداش	۱۰
٦	چالش	۱۰
۷	سازمان ریسک	۱۰
۹	ارتباط با راهبرد و برنامه	۱۰
۵	پاسخگویی	۵
۱	حاکمیت ریسک	۵
٤	فضای اخلاقی	۵
۸	ارتباط و مشارکت	۵

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

www.SID.ir

نمودار (٤) تحلیل حساسیت براساس کارایی نسبت به هدف کلی را نشان می‌دهد. در این تحلیل رتبه‌بندی شاخص‌های مختلف براساس دو گزینه مدنظر پژوهش نشان داده شده است.

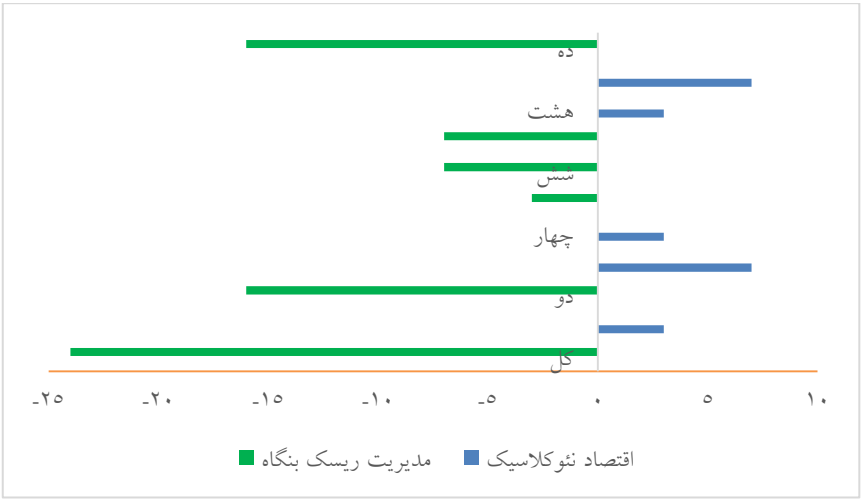


نمودار٤. تحلیل حساسیت بر اساس کارایی نسبت به هدف کلی

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

همان‌طور که در شکل تحلیل حساسیت سربه‌سری دو گزینه اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه مشاهده می‌شود، «مدیریت ریسک بنگاه» بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است و به عنوان مؤثرترین گزینه در مقایسه ده اصل فرهنگ ریسک مشخص شده است. مدیریت ریسک بنگاه از نظر اشتهای ریسک و و تفکیک اقدامات و مدیریت ریسک بیشترین وزن را به‌دست آورده است و معیارهای پاداش و ارتباط با راهبرد و برنامه دارای بیشترین تاثیر در گزینه اقتصاد نئوکلاسیک می‌باشند.

www.SID.ir



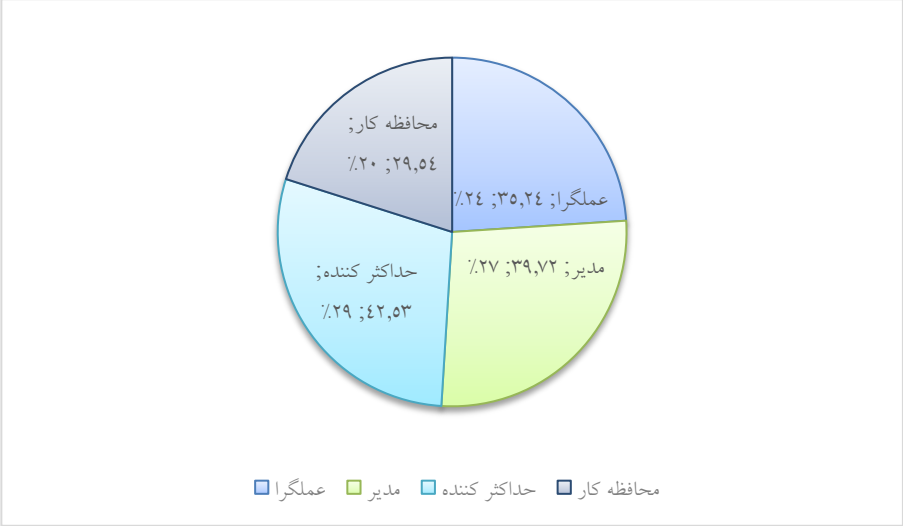
نمودار ۵. تحلیل حساسیت سر به سری دو گزینه اقتصاد نئوکلاسیکی و مدیریت ریسک بنگاه

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

سنجش دیدگاه‌های فوق، نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های بیمه ارائه‌کننده بیمه درمان تکمیلی، رویکرد اصول «مدیریت ریسک بنگاه» را انتخاب می‌کنند. با توجه به تحلیل داده‌های خبرگان در نرم افزار SPSS براساس شاخص‌های مدل فرهنگ ریسک مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر شرکت بیمه به کار می‌گیرند.

با توجه به نمودار (٦)، نتایج تحقیق ترکیب مختلفی از چهار فرهنگ قید شده در جدول (۵) را نشان می‌دهد و به طور کلی شرکت بیمه ترکیبی از هر چهار فرهنگ را استفاده می‌کند. فرهنگ حداکثرکننده از بیشترین فراوانی و فرهنگ محافظه‌کار از کمترین فراوانی برخوردار است.

www.SID.ir

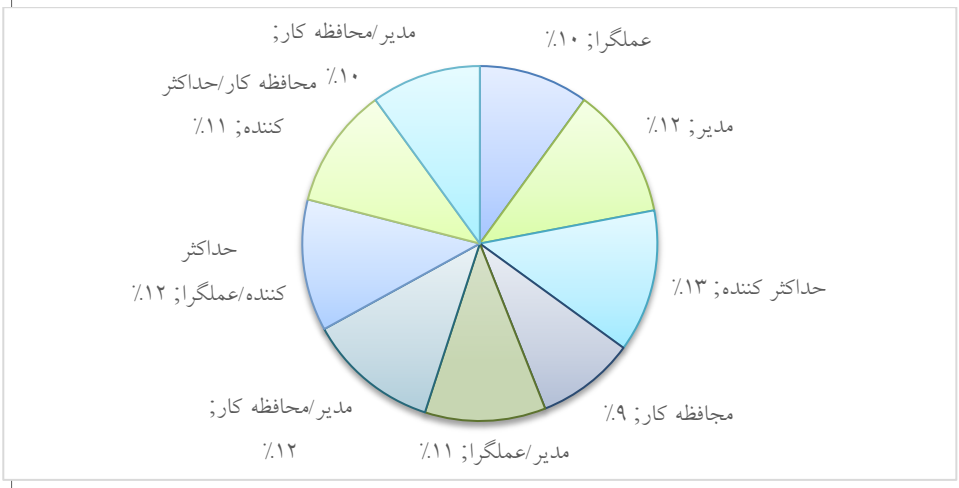


نمودار ٦. فرهنگ ریسک مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

با توجه به نمودار (۷)، کمتر از نیمی از پاسخ‌دهندگان یک فرهنگ را انتخاب کرده‌اند و سایر افراد ترکیبی از دو فرهنگ را از بین چهار فرهنگ مورد بررسی، انتخاب کرده‌اند. این نمودار نشان می‌دهد که مدیریت ریسک بنگاه، یعنی انتخاب فرهنگ «مدیر» در ایده‌آل‌ترین حالت تنها ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان را به خود جذب کرده است. با این حال، ترکیبی از انتخاب‌ها که شامل «مدیر» می‌شود (مانند مدیر/ محافظه‌کار)، مجموعاً به ۳۳ درصد می‌رسد و در کل انتخاب مدیر و انتخاب‌های شامل مدیر نزدیک به نیمی از نتایج را تشکیل می‌دهند. این، بدین مفهوم است که تمایل به حرکت به سوی «مدیریت ریسک بنگاه» وجود دارد و این نشان‌دهنده تطابق نتایج دو مدل «توزیع ترجیحات ریسک در شرکت‌های بیمه ارائه‌کننده بیمه درمان تکمیلی» و «اقدامات توصیه شده رایج برای فرهنگ سالم ریسک» در این شرکت‌ها است. همچنین نتایج پژوهش تفاوت دو مکتب اقتصاد نئوکلاسیکی و مدیریت ریسک بنگاه در تصمیم‌گیری بیانگر این است که تفاوت اندکی بین این دو مکتب با توجه به انواع فرهنگ ریسک در صنعت بیمه وجود دارد.

www.SID.ir



نمودار ۷. توزیع ترجیحات ریسک

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

٦. جمع‌بندی و پیشنهادها

در این مقاله اصول ده‌گانه توصیه شده مدیریت ریسک و نیز چهار فرهنگ مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر ارائه شد و اصول اقتصاد نئوکلاسیک و مدیریت ریسک بنگاه برای شرکت‌های بیمه ارائه‌کننده بیمه درمان تکمیلی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اصول «مدیریت ریسک بنگاه» با وزن ٦٢/١ درصد نسبت به «اقتصاد نئوکلاسیک» با وزن ۳۷/۹ درصد بالاترین رتبه را نسبت به هدف کلی به‌دست آورده است. بنابراین این مقایسه نشان می‌دهد که مبانی فرهنگ ریسک با اصول و عقاید مدیریت ریسک بنگاه سازگارتر است و این بدان معنا نیست که اصول مدیریت ریسک بنگاه و اقتصاد نئوکلاسیک نمی‌توانند به صورت همزمان در یک شرکت مورد استفاده کارا قرار گیرند. بسیاری از شرکت‌ها راهبردهای و تکنیک‌هایی را که با اصول اقتصاد نئوکلاسیک مطابق است، در کنار اقدامات مدیریت ریسک که با اصول مدیریت ریسک بنگاه مطابق و سازگار است، به کار می‌گیرند. سنجش نگرش‌های مذکور در بین شرکت‌های بیمه نشان می‌دهد که شرکت‌های بیمه ترکیبی از دو رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و اصول مدیریت ریسک بنگاه را انتخاب می‌کنند. به عبارت دیگر

www.SID.ir

شرکت‌های بیمه ترکیب مختلفی از چهار رویکرد مبتنی بر تئوری عقلانیت متکثر را انتخاب می‌کنند.

با توجه به اینکه مفاهیم فرهنگ ریسک در شرکت‌های بیمه مغفول مانده است، توصیه می‌شود مدیران شرکت‌های بیمه در این راستا گام بردارند و ترکیبی از فرهنگ‌هایی که در این مقاله بحث شد، متناسب با محیط و اندازه سازمان خود، انتخاب کنند. همچنین با توجه به اینکه نگرش بیمه مرکزی نسبت به راهبرد ریسک بر فرهنگ ریسک شرکت‌های بیمه اثرگذار می‌باشد توصیه می‌شود بیمه مرکزی با توجه به شرایط و اقتضائات صنعت بیمه کشور نگرش بهینه‌ای را در این زمینه اتخاذ کند. این مسئله دارای اهمیت بالایی است و نیازمند تحلیل و بررسی بیشتر می‌باشد.

www.SID.ir

منابع

ایزدپناهی، ساره. (۱۳۸۸). رابطه فنون مدیریت ریسک بنگاه در حوزه ریسک‌های مالی و عملیاتی با خلق ارزش در شرکت‌های بیمه ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

برایان اسنودان، هوارد آر. وین. (۲۰۰۵). اقتصاد کلان نوین (منشأ، سیر تحول و وضعیت فعلی). خلیلی عراقی، منصور و سوری، علی. تهران، انتشارات سمت. ۱۳۹۸، چاپ ششم.

حبیبی، آرش. ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم. (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی. نشر سیمای دانش، چاپ اول.

شهریار، بهنام و صیادزاده، علی. (۱۳۹۶). طراحی الگوی استقرار مدیریت ریسک بنگاه (ERM) در شرکت‌های بیمه. طرح پژوهشی شماره ۸۷، پژوهشکده بیمه.

دهقانی، علی و شهریار، بهنام. (۱۳۹۷). الگوی پیشنهادی مدیریت ریسک بنگاه در شرکت‌های بیمه. پژوهشنامه بیمه، ۳۳(۱)، صص ۲۲-۱.

کاردگر، ابراهیم و مظهری موسوی، سید ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر مدیریت ریسک شرکتی بر عملکرد عملیاتی در شرکت‌های بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بیست و چهارمین همایش ملی بیمه و توسعه، تهران.

کمیته حامی سازمان‌های کمیسیون تردوی. (۲۰۱۷). مدیریت ریسک بنگاه، یکپارچه‌سازی با راهبرد و عملکرد. فروغ نژاد، حیدر و احمدی، شاهین، انتشارات بورس، ۱۳۹۸، چاپ اول.

کردبچه، حمید و احمدی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر شاخص‌های قیمت بهداشت و درمان. فصلنامه مدیریت بهداشت و درمان، ۸(٤)، صص ۲۷-۱۷.

معاونت طرح و توسعهٔ دفتر برنامه‌ریزی و امور فنی، ادارهٔ تحلیل‌های آماری. (۱۳۹۸). سالنامه آماری ۱۳۹۷ صنعت بیمه، تهران: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

Acharyya, M. & Johnson, J.E.V. (2006). Investigating the development of enterprise risk management in the insurance industry: An empirical study

www.SID.ir

of four major European insurers, The Geneva Papers on Risk and Insurance, Special Issue, 55-80.

Douglas, M. & Wildavsky, A. (1982). Risk and culture: an essay on the selection of technical and environmental dangers, Berkeley, University of California Press.

Financial Stability Forum (2008). Observations on risk management practices during the recent market turbulence. Senior Supervisors Group,

Hoyt, R. & Liebenberg A. (2011). The value of enterprise risk management. Journal of Risk and Insurance, 78(4), 795-822.

Ingram. D., Underwood, A. & Thompson, M. (2014). Risk culture, neoclassical economics and enterprise risk management, Intelligent Risk, December, 22-40.

Lechner, P. & Gatzert, N. (2018). Determinants and value of enterprise risk management: empirical evidence from Germany, The European Journal of Finance, 24(3), 867–887.

Roschmann, A. (2014). Risk Culture: what it is and how it affects an insurer's risk management. Working Papers on Risk Management and Insurance, Institute of insurance economics, University of St. Gallen, 142(8), 89-111.

Underwood, A., Thompson, M. & Ingram, D. (2014). Risk attitudes among insurance company management and implications for forming a Risk Culture, Intelligent risk, August, 44-53.

Walker, D. (2009). A review of corporate governance in UK banks and other financial entities: final recommendations. Consultative Document, 26 November.

www.SID.ir

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

www.SID.ir